

پیروزی حماس آرایش جدید و شرایط پیش رو



سکته مغزی آرپیل شارون و کنار رفتن او از عرصه سیاست در منطقه خاورمیانه، خود تحول کمی نبود و اکنون با پیروزی جنبش حماس در انتخابات پارلمانی فلسطینی، خاورمیانه دوره جدیدی از تحولات را آغاز کرده است. پیروزی حماس در انتخابات اخیر فلسطینی دست کمی از یک زلزله سیاسی تمام عیار ندارد. گروهی که هم اکنون با به دست آوردن ۷۶ کرسی در مقابل ۴۳ کرسی سازمان فتح، در موقعیت تشکیل دولت در تشکیلات خودگردان فلسطینی قرار گرفته است. برای تحلیل تاثیر پیروزی حماس بر منافع ایران در منطقه خاورمیانه، باید ابتدا نگاهی به وضعیت آمریکا و دولت اسرائیل و بازیگران کلیدی دیگر داشت.

ریشه های پیروزی حماس

با آنکه درگیری ها و تنش های روزهای منتهی به انتخابات فلسطین در برخی مقاطع برگزاری، این انتخابات را در هاله ای از تردید قرار می داد، اما کاخ سفید و دیگران به برگزاری این انتخابات اصرار زیادی داشتند و لذا پس از پیروزی غیر مترقبه حماس در موقعیتی قرار نداشتند که بخواهند نتیجه را زیر سؤال ببرند. تقریباً همگان پذیرفته اند که پیروزی حماس ریشه در چند عامل مهم داشته است:

۱- فشارهای غرب و اسرائیل در نادیده گرفتن تشکیلات خودگردان تحت رهبری محمود عباس و بن بست در مذاکرات و طرح موسوم به "نقشه راه" در عمل، راه را برای سرخوردگی ملت فلسطین باز کرد.
۲- فساد گسترده در تشکیلات خودگردان فلسطینی باعث یاس بسیاری از فلسطینی ها شده بود و وجهه سالم و قاطع حماس و برنامه های اجتماعی این گروه در بین قشر آسیب پذیر فلسطینی،

مشغول حیات گیاهی باشد، چرا که عملاً بخش قابل توجهی از انتقادهای اسرائیلی ها در درون به برنامه های شارون ختم شده است که با عقب نشینی یکجانبه راه حماس را باز کرده است. البته شارون با علم به اینکه خروج از نوار غزه دست حماس را بازتر می کرد، قبل از خروج، کادر رهبری اصلی حماس را از بین برد و در حملات خود شیخ احمد یاسین، رهبر معنوی این گروه و رتنیسی و دیگران را ترور کرد. اما حضور اجتماعی قدرتمند حماس، روحیه مبارزه جوانان این گروه و عوامل پیش گفته زمینه چرخش مردم فلسطین را تحکیم کرده بود. حال قسمت عمده ای از تحولات آینده بستگی کاملی به نحوه عملکرد حماس دارند.

نکته بسیار مهمی که در مورد پیروزی حماس در انتخابات فلسطینی وجود دارد آن است که این

تاثیر به موقع خود را نشان داد. جرج بوش در کنفرانس خبری خود به صراحت اعلام کرد که پیروزی حماس یک زنگ بیدار باش است. وی تا آنجا پیش رفت که بگوید مردم فلسطین با رای خود نشان دادند که خود مدیریت و رهبری سالم هستند و از وضع موجود و فساد خسته شده اند!

۳- عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه که پایگاه اصلی حماس بشمار می رود، میدان را برای حضور بیشتر این گروه در عرصه سیاست فلسطینی باز کرد. مرگ سیاسی آرپیل شارون یک مانع بزرگ روانی را از سر راه قدرت نمایی حماس برداشت. به احتمال بسیار قوی در صورتی که شارون در صحنه می بود، مشارکت انتخاباتی حماس، شاید با موانع مهمی برخورد می کرد.

از طرفی شارون خوش شانس هم بود که به هنگام اعلام پیروزی حماس روی تخت بیمارستان

گروه ضداسرائیلی نه به عنوان اپوزیسیون حزب حاکم (فتح) در انتخابات پیروز شد، بلکه از موضع قدرت و اعتماد مردم فلسطینی به این نقطه رسید و شرکت ۷۷ درصد واجدان رای دادن در انتخابات، پیامی را منتشر کرد که کمتر گوشی در جهان توانست آن را نشنیده بگیرد!

پیروزی حماس: غافلگیری کاخ سفید و اروپا

دولت جرج بوش، اروپا و خود اسرایلی ها از پیروزی گروهی چون حماس به شدت غافلگیر شده‌اند. سخنان جرج بوش در روز اعلام نتایج

فلسطینی نمونه‌ای شده که در دیگر کشورها با راحتی بیشتر قابل تکرار است. به عنوان مثال در انتخابات اخیر پارلمانی مصر، اگر برخورد های پلیسی و سرکوبگرانه دولت مصر در برابر جنبش اخوان المسلمین نبود، پیروزی قابل توجه این گروه در انتخابات می توانست پیروزی کامل اخوان المسلمین باشد. لذا این انتخابات برای سیاست خاورمیانه‌ای جرج بوش یک زنگ بسیار پر صدای بیدار باش بود. جرج بوش چاره ای جز پذیرش نتیجه نداشت. کاخ سفید تقریباً اطمینان کامل داشت که تشکیلات فتح، مانند گذشته در انتخابات پیروز میدان خواهد

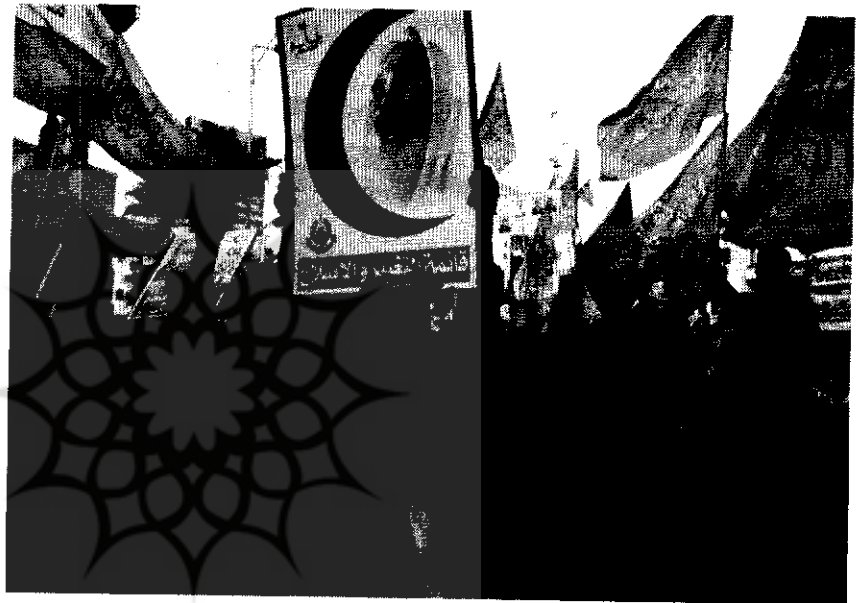
بوش و رایس معنایی جز به رسمیت شناختن پیروزی و مشروعیت پیروزی انتخاباتی و حق این گروه برای ادامه کار ندارد. سیاه ترین سناریوی قابل تصور کاخ سفید اتفاق افتاده بود و کاری هم نمی شد کرد. تمامی آنچه در مورد غافلگیری کاخ سفید گفته شد در مورد اتحادیه اروپا نیز صدق می کند. دستپاچگی و سرعت در تشکیل جلسه نمایندگان کشورهای اروپا، آمریکا، روسیه و دیگران که بلافاصله پس از پیروزی حماس ترتیب برگزاری آن داده شد خود نشان از غافلگیری آنان و تلاش برای بررسی اوضاع داشت.

وضعیت اسراییل: گزینه های یکجانبه و رکود سیاسی

سیاست در اسراییل در یکی از بدترین مقاطع تاریخ پس از اشغال قرار گرفته است. در غیبت آرئیل شارون، بنیانگذار حزب راستگرای لیکود که قصد داشت در راس حزب تازه تاسیس کادیما وارد عرصه انتخاباتی ماه مارس اسراییل شود و زمام امور را از نقطه‌ای جدید بدست گیرد، شرایط برای سیاستمداران اسراییلی بسیار به هم ریخته به نظر می رسد.

ایهود المروت، کفیل نخست وزیری اسراییل در غیبت احتمالاً همیشگی شارون، اکنون در راس حزب کادیما قرار گرفته است. به نظر نمی رسد که این حزب شانس چندانی داشته باشد، چرا که تنها شارون بود که این حزب را برای برنده شدن در انتخابات صاحب وزن سیاسی می کرد. شیمون پرز از حزب کارگر که به کادیما پیوست نیز احتمالاً شانس چندانی نخواهد داشت و امیر پرتص رهبر جدید حزب کارگر نیز برای عرض اندام کردن در انتخابات ماه مارس اسراییل، سر و گردنی از دیگران بالاتر نیست.

در این میان بنیامین نتانیاهو رهبر حزب لیکود، شاید بتواند در سایه تبلیغات مبتنی بر ایجاد هراس از روی کار آمدن حماس در اراضی اشغالی فلسطینی، تا اندازه‌ای دارای آینده سیاسی بنظر آید، هر چند بسیار بعید است که وی و حزب لیکود به تنهایی قادر به تشکیل دولت بعدی اسراییل باشند. در زمان آرئیل شارون این امکان وجود نداشت، چه رسد در شرایط کنونی. نکته ای که با قاطعیت می توان در مرحله کنونی روی ابعاد آن برنامه ریزی کرد آن است که تل آویو در نتیجه شوک ناشی از پیروزی حماس در لاک انزوا (از نقطه نظر رابطه با تشکیلات خودگردان فلسطینی) فرو خواهد رفت و تعاملی با حماس در راس این تشکیلات نخواهد داشت. این رویکردی



بود، هر چند بر اساس گزارش های موجود می دانست که گروه حماس در انتخاباتی که پس از عقب نشینی اسراییل از نوار غزه برپا می شد، حضور قدرتمندی را به نمایش می گذاشت، اما کاخ سفید هرگز تصور نمی کرد که این حضور قدرتمند به معنای پیروزی قاطع و بی چون و چرای حماس باشد.

جالب اینجاست که پیروزی حماس، عملاً جرج بوش را در بن بست قرار داد که چاره ای جز به رسمیت شناختن نقش آفرینی حماس ندارد، هر چند که آمریکا به سهم خود پیش شرط هایی را برای کار کردن با تشکیلات فلسطینی تحت کنترل حماس مطرح کرده است.

کاندولیزا رایس وزیر خارجه دولت جرج بوش نیز در موضع گیری های مکرر خود روی این محور حرکت می کرد که حماس باید از میان کار سیاسی و مبارزه مسلحانه یکی را انتخاب کند. سخنان جرج

انتخابات فلسطینی بسیار جالب بود. وی در صدد بر نیامد که پیروزی حماس را زیر سؤال ببرد و آن را غیر قابل قبول بداند. بر عکس، رییس جمهوری آمریکا به صراحت - و صد البته از روی ناچاری و ناتوانی از انکار نتیجه - گفت که دموکراسی و انتخابات همین است که هست و اتفاقاً او از همین ماهیت انتخابات خوشش می آید!

اتفاقاً شمار بسیاری از ناظران و بازیگرانی که به پیروزی حماس واکنش نشان داده‌اند، اصرار جرج بوش و سخنانش در مورد ضرورت ایجاد دموکراسی در خاورمیانه را دلیل اصلی دست بستگی کاخ سفید در رد پیروزی انتخاباتی حماس بر شمرده اند. اکنون این نگرانی بوجود آمده است که استمرار سیاست بوش در کوبیدن بر طبل دموکراسی در خاورمیانه می تواند به تزلزل دولت های حاکم بر کشورهای عربی منجر شود، چرا که اکنون نتیجه انتخابات



صورت گیرد که زمینه بازگشت حزب فتح در انتخابات بعدی- و یا در سایه تحولات غیر منتظره پیش رو- فراهم شود.

آنچه در این میان برای ملاحظه آینده بسیار نزدیک باید در نظر داشت آن است که نحوه عملکرد حماس و تحولات در تشکیلات خودگردان و نحوه عمل فتح، بخش قابل توجهی از منابع تنظیم سیاست های اسرائیل را تشکیل خواهد داد.

در حال حاضر می توان انتظار داشت که حماس در رویکرد خود در قبال تل آویو فرضیات و وضعیت های زیر را مد نظر قرار دهد:

الف- این احتمال قوی است که حماس، برای شکستن آتش بس نه چندان محکم موجود با اسرائیل پیشقدم نشود. اگر اسرائیل بخواهد میزان واکنش حماس را بسنجد و دست به اقداماتی نظیر حمله به اهداف فلسطینی بزند، احتمالا حماس چاره ای جز پاسخ نخواهد داشت. هرچند این پاسخگویی می تواند در اشکال مختلفی صورت گیرد. حماس ابتدا باید ترکیب مهره های سیاسی خود و نحوه تعاملش با گروه های فلسطینی و جامعه بین المللی را مشخص کند.

ب- اگر حماس بخواهد موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد، امری که احتمالا با اما و اگرهای فراوانی همراه است، این امر بر روابط حماس با سایر گروه های مبارز تاثیراتی خواهد داشت.

ج- در حالی که حزب فتح دچار اختلافات شدید درونی در سایه شکست سنگین در مقابل حماس شده و هواداران این حزب خواهان استعفا سران فتح شده و علیه آنها دست به راهپیمایی زنده احتمال بر خورد احساسی هواداران فتح و حماس از صفحه احتمالات کنار گذاشته نخواهد شد.

آمریکا در شرایط به وجود آمده تلاش دارد تا محمود عباس را نوعی به عنوان "نقطه تماس" حفظ کند. جرج بوش به صراحت در سخنان خود نسبت به ماندن محمود عباس در صحنه سیاست فلسطینی ها ابراز امیدواری کرد. لذا حماس باید به این نکته توجه داشته باشد که چگونه می خواهد چهره سازی کنه آن هم برای تشکیلی که نظر به برخورد غرب با حماس، این گروه دارای چهره های سیاسی- دیپلماتیک در عرصه جهانی و منطقه ای نیست. با این حال شاید بتوان از حماس انتظار عملگرایی داشت و در سایه این عملگرایی، ترکیبی از چهره های شناخته شده مانند محمود عباس تحت شرایط موجود، به ایفای

اما صرف نظر از این که پاسخ پرسش های فوق برای تعیین تحرکات بعدی اسرائیل چه باشد، این احتمال قریب به یقین داده می شود که تل آویو در سایه زلزله سیاسی بوجود آمده، بدنبال پیگیری سیاست های یکجانبه خود برآید. این سیاست ها در چند محور خلاصه می شوند سرعت بخشیدن به احداث دیوار حائل. این دیوار در طول سه سال گذشته کمتر از نیمی از مسیر پیش بینی شده را طی کرده و تکمیل شده است. فلسطینی ها و افکار عمومی کشورهای عربی- اسلامی به احداث این حائل و مسیر عبور آن اعتراض شدید دارند. اتفاقا اصرار اسرائیل بر تکمیل یک جانبه آن و در نظر نگرفتن شکایات فلسطینی ها از غصب بیشتر اراضی فلسطینیان در طول مسیر احداث این دیوار، محکی برای واکنش و رفتار حماس خواهد بود.

روی دیگر سیاست یک جانبه تل آویو آن خواهد بود که مذاکرات با دولت حماس را در حالت انجماد نگاه دارد، امری که برای سیاست خاورمیانه ای آمریکا خطرناک خواهد بود. در حال حاضر اسرائیلی ها در رسانه هایشان انتقاداتی از نقشه راه مطرح می کنند و بخشی از بار تقصیر در خصوص روی کار آمدن حماس را به دوش آمریکایی ها می گذارند.

احتمالا اسرائیل سیاست تضعیف تدریجی حماس در عرصه جدید را در پیش می گیرد تا به فلسطینی ها ثابت کند که در پر کردن بر گره رای دچار اشتباه شده اند! یک سیاستمدار اسرائیلی در واکنش به پیروزی حماس گفت که فلسطینی ها با انتخابی که در برگزین حماس کردند، فرصت های ایجاد شده را مدفون ساختند. بر این اساس، نگاه اسرائیل و غرب می تواند در این نقطه شریک شود که باید کاری

است که ایهود اولمرت بلافاصله روی آن انگشت تاکید گذاشته است.

در شرایط کنونی نگاهها به ترکیب بازیگران و نتیجه انتخابات پیش روی اسرائیلی ها دوخته شده است. نکته استراتژیک، در مورد انتخابات اسرائیل در ماه مارس آن است که پیروزی حماس در انتخابات اخیر فلسطینی و نحوه عمل این جنبش در راس قدرت سیاسی اثر تعیین کننده بسیاری بر شکل و ماهیت دولت بعدی تل آویو خواهد داشت.

در این خصوص که اسرائیل در مقابل حماس چه خواهد کرد، ابتدا باید دید پاسخ پرسش های زیر چه خواهد بود:

۱- آیا حماس همانند فتح (یا سازمان آزادیبخش فلسطین - ساف) حاضر به تغییر منشور خود و حذف عبارت معطوف به نابودی اسرائیل و ترک مبارزه مسلحانه خواهد شد؟

۲- با توجه به پرسش فوق و ارتباط با آن در حالت مثبت بودن، آیا آمریکا و اتحادیه اروپا با دولتی تحت رهبری حماس همکاری خواهند کرد؟

۳- آیا گروه های فلسطینی در دولت تحت رهبری حماس حاضر به همکاری خواهند بود؟ آیا جنبش فتح در دولت بعدی فلسطینی کار کرد و نقش آفرین خواهد بود؟ (فتح بلافاصله پس از انتخابات ضمن پذیرش شکست و احترام به پیروزی حماس اعلام کرد که در دولت بعدی حضور نخواهد داشت اما برخی موضعگیری های حماس بدان اشاره دارد که حماس می داند که در تشکیل دولت و پیشبرد کارها به حمایت فتح نیاز دارد، چرا که حماس به تنهایی نمی تواند همکاری مورد نیاز بین المللی را به دست آورد).

نقش در مسائل ترغیب شوند.

حماس و منافع ایران در منطقه: ضرورت دقت در آرایش های جدید

پیروزی گروه حماس در انتخابات فلسطینی از جهاتی بر سیاست های ایران در قبال قضیه فلسطین و کلیت منطقه خاورمیانه تأثیراتی را برجای خواهد گذاشت. از آنجا که آمریکا، اروپا و اسرائیل همواره تهران را به کارشکنی در روند موسم به صلح اعراب و اسرائیل متهم می کرده اند، اکنون با پیروزی حماس به نظر می رسد که سیاست ها و مواضع جمهوری اسلامی ایران در این حوزه از وزن و جایگاه ویژه ای برخوردار شود. ایران یکی از حامیان جریان مقاومت ضد اسرائیلی شناخته شده و حماس یکی آن است.

اگرچه فعالیت های گروه جهاد اسلامی در شرایط جدید نیازمند دقت بیشتر است، اما طبیعی است که

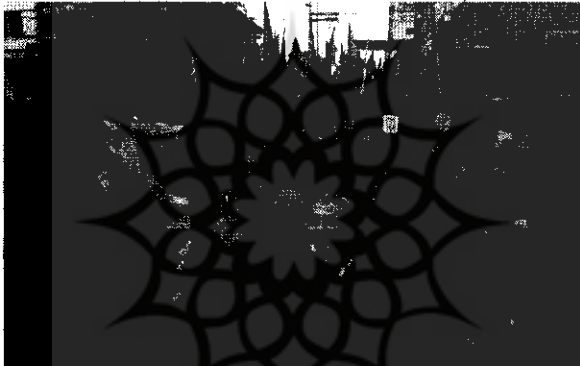
ایران ضمن خوشحالی از پیروزی حماس در انتخابات اخیر، برای حمایت بیشتر از این گروه و گروه های همسو آماده شود. بسته به این که حماس چه راهی را در شرایط بودن در راس قدرت در پیش بگیرد، سیاست های جمهوری اسلامی نیز باید در شرایط جدید تنظیم شود. یکی از منافع پیروزی حماس برای ایران آن است که وزن مواضع تهران در خصوص حق تعیین سرنوشت برای فلسطینی ها با پیروزی حماس، سنگین تر از قبل شده است. این امر

به نوبه خود، نگرانی و حساسیت بیشتر کشورهای غربی و اسرائیل و حتی کشورهای عربی را به همراه خواهد داشت.

در این میان باید دقت صورت گیرد تا شرایط حماس درک شود و حمایت هایی که از این جریان می شود، فقط ناظر به برخی جوانب خاص نباشد. از آنجا که حماس از سوی برخی کشورهای عربی منطقه نیز حمایت می شود، لذا طبیعی است که رهبران حماس بخواهند نوعی توازن در تعاملات این گروه با بازیگران منطقه ای ایجاد کنند. شرایط حماس به عنوان یک گروه چریکی - مردمی به یک تشکل حاکم و مسئول اداره امور تغییر یافته و در این فضا باید منافع بلند مدت فلسطینی ها مورد توجه قرار گیرد. هرچه فلسطینی ها در احقاق حقوق از دست رفته خود موفقیت بیشتری بدست آورند، قدردانی از سیاست های حمایت گرایانه ایران نیز در بین افکار عمومی کشورهای اسلامی - عربی محسوس تر

خواهد بود. شکست حماس در راس قدرت فلسطینی، برای تهران وضعیت مطلوب نبوده و باید دقت شود که سیاست اسرائیل و به نوعی غرب، به احتمال قوی در جهت تبدیل حماس به یک جریان ناموفق در راس امور فلسطینی ها تنظیم خواهد شد.

در یک منظر استراتژیک، روی کار آمدن حماس که می تواند در صورت موفقیت در امور، موجی موافق در سایر کشورهای عربی - اسلامی ایجاد کند، به نفع تهران خواهد بود. بنابراین موفقیت حماس در مقام جدید حاوی نقاط مثبت فراوانی برای ایران نیز هست. این مطلوبیت، به همان اندازه در نگاه کشورهای غربی و اسرائیل نگران کننده تلقی خواهد شد چرا که حماس و سایر گروه های ضد اسرائیلی نظیر حزب الله لبنان و جهاد اسلامی از نظر تحلیلگران غربی - اسرائیلی نوعی عقبه استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران در سناریوهای مختلف



ایجاد می کنند.

در شرایط جدید که حماس تحت فشار برای در پیش گرفتن یک رویکرد سیاسی محض است، فشارها بر گروه های مشابه پیش گفته در لبنان و سایر نقاط نیز می تواند افزایش یابد. لذا در یک معادله استراتژیک، از تغییر کاربردی گروه های چریکی ضد اسرائیلی تبعاتی متوجه برآیند برداری و موازنه نیروها و کارکرد آنها در قبال اسرائیل و کلیت منطقه خواهد شد. این امر باید در مجموعه مطالعات ایران در تحولات منطقه دیده شود و برای حالات مختلف برنامه های کوتاه و بلندمدت طراحی گردد.

در مجموع، انتخابات در عراق و انتخابات اخیر فلسطینی، پتانسیل های مثبتی را در همسویی با منافع جمهوری اسلامی ایران به فعل تبدیل کرده اند که برخی شعارهای قدیمی و دنبال شده تهران در این حوزه های کلیدی را به بار نشانده اند.

در این شرایط، ادامه مسیر باید با در نظر گرفتن

و دقت در پیچیدگی های شرایط جدید صورت گیرد. در شرایط جدید، منابع سنتی تهدید ایران جای خود را به اشکال جدید موازنه قوا داده اند. سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه که با شعار بسط دموکراسی دنبال شده، به ایجاد موجودیت هایی منجر شده که در عین حالی که منافع بلندمدت آمریکا در منطقه را تأمین نمی کنند، چشم ناظران ایران را متوجه پیدایش جریانات همسو با ایران در عراق و اراضی فلسطینی کرده است. این امر بدون شک از دید پایتخت های عربی پنهان نمانده و لابی اعراب در آمریکا در تلاش است تا برای برقراری موازنه متقابل در قضیه ایران کاری صورت گیرد.

بدین وضعیت باید کنار رفتن آریل شارون از صحنه سیاست اسرائیل و ایجاد تزلزل در ساخت سیاسی این رژیم را اضافه کرد. این عاملی است که به ایران میدان بیشتری اعطا می کند و از ضریب موفقیت برخی موضعگیری های قبلی و فشارهای همراه می کاهد. از همین روست که تهران می تواند روی کار آمدن حماس در اراضی اشغالی فلسطینی را در مدار معادلات منطقه ای خود به گونه ای جای دهد که عرصه آن فقط به موضع گیری های لفظی و کوتاه نگر محدود نشود و در عین حال، زمینه ای برای فشار بیشتر بر ایران ایجاد نکند و فشار منفی خاصی بر قدرت سیاسی نوبای حماس وارد نیابد.

صائب عرفیات از چهره های شناخته شده در تشکیلات خودگردان فلسطینی به رهبری محمود عباس در خصوص پیروزی حماس در انتخابات فلسطینی جمله جالبی بر زبان رانده که ترجیح می دهد زینت بخش نکته پایانی این نوشتار باشد. عرفیات در توصیف شگفتی ناشی از پیروزی حماس در فردای انتخابات فلسطینی ها گفت: "(امروز) از خواب بیدار شدیم و دیدیم آسمان رنگ تازه و دیگری به خود گرفته است. ما وارد عصر نوینی شده ایم."

ایران باید در این عصر نوین با ذکاوت و اشراف به پیش برد برنامه های مبتنی بر تحدید تهدیدات بپردازد. با کنار رفتن عرفیات و سپس شارون، رنگ آسمان برای برنامه های فلسطینی محور ایران تغییر کرده بود، اکنون با پیروزی حماس، حفظ پیوستگی و پایداری و بهره برداری مناسب از این تغییرات در سایه شرایط خاص کنونی محاط بر ایران، از ضرورت بیشتری برخوردار شده است.